

تاریخ ادب اردو، جلد چهارم
جمیل جالبی. لاہور: مجلس ترقی ادب، ۲۰۰۰. چاپ نخست، ۱۶۲۶ صفحہ.

وفا یزدانمنش^۱

بررسی شکلی

با توجه به حروف نگاری و چاپ کتب اردو، مناسب است. صفحه آرایبی ضمن سادگی منظم است. به علت حجیم بودن مطالب بهتر بود کتاب در دو مجلد جدا چاپ شود. طرح جلد با مجلدهای پیشین جالبی کاملاً متناسب است و همان سادگی را دربردارد. تفاوت رنگ های مجلدها قابل توجه است. جلد اخیر به رنگ ارغوانی و استفاده کمی از صورتی و خردلی است.

نکاتی که کمتر مورد توجه مؤلفان واقع می شود؛ جالبی به آن ها توجه دارد. در کمتر کتابی رعایت قوانین روز دیده می شود. برای نمونه هرگاه بین دو جمله حروف ربط مانند «اور» و «که» موصولی (جو، جس و...) و ... بیاید نشانه پایانی (-) در انتهای جمله اول اشتباه است. با وجود تأکید مقتدره قومی زبان به این گونه موارد، در آماده سازی کتب مورد بی توجهی قرار می گیرد ولی جالبی در این امر عالمانه برخورد کرده است. برخی جاها تکرار خطوط دیده می شود مانند صفحه ۱۱۵۶ پاراگراف دوم. اشتباه تایپی بسیار اندک است.

در مجموع نگارش آن دقیق است. جملات کوتاه و دور از پیچیدگی است. از واژگان انگلیسی که اکثر مؤلفین اردو دلداده اش هستند؛ به ندرت استفاده شده است و جالبی متن را به اردوی خالص مزین کرده است. اشتباه تایپی به صورت پراکنده و اندک وجود دارد. در چند جا کی و کے جایگزین هم شده است. در کتاب یک مقدمه کلی آمده و به هدف تألیف کتاب اشاره ای ضمنی شده است. فهرست مطالب تفصیلی است و نتیجه گیری و جمع بندی در پایان فصول آمده است. در پایان کتاب تنها فهرست اعلام دیده می شود.

۱. استادیار دانشگاه تهران.

بررسی محتوایی

با توجه به عنوان کتاب انتظار می‌رود که در مبحث مقدمه، مؤلف نگاه تاریخی عمیق‌تر و مفصل‌تری داشته باشد. محتوای کتاب نزدیک به ۱۶۰۰ صفحه است و با مقدمه هشت صفحه‌ای هماهنگ نیست. مؤلف در این کتاب به بررسی ادبیاتی می‌پردازد که تحولات عظیمی را در عرصه شعر و نثر به دنبال دارد. به ناگاه انواع ادبی و آن هم از جنس نو شکل می‌گیرد و قالب‌های جدید در ادبیات اردو پدید می‌آید. محتوی، محور فکری، عناصر فنی، رویکردها و دیگر انشعاب‌های ادبی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اخلاقی و حتی مسائل فرا وطنی به گونه‌ای مطرح می‌شوند که نمی‌توان آن‌را در امتداد ادبیات پیشین دانست بلکه ادبیاتی است کاملاً مجزا و مستقل از پیشین خود. جمیل جالبی مانند دیگر همراهان خود پیش زمینه این تحول را تنها از یک جنبه بیان می‌کند: «تأثیر انگلیسی‌ها، تدابیر و سیاست آن‌ها در برابر مسلمانان و اسلام! شکی نیست که این خود یک دلیل محکم است. اما به راستی، همین توجیه کافی است! در شبه قاره، مسلمانان در کنار اقوام و ادیان دیگر که بخش اعظم آن هندوها بودند، می‌زیستند. چرا جالبی نگاه‌های فراتر به فضای آن زمان این پهنه نداشته است! آیا لایه‌های دیگری در بستر این طغیان و بلوغ فکری ادبیات وجود نداشته است؟» وی در مقدمه کوتاه خود از سرسید / احمدخان سخن می‌گوید که گویا تمام شعرا و نویسندگان این عصر مانند غالب، مؤمن، حالی، آزاد و داغ و ... زیر سایه و شخصیت ادبی سرسید احمدخان نوشتند و سرودند و از وی کسب تکلیف کردند!

کتاب دارای نتیجه و جمع‌بندی نهایی است. در پایان هر بخش سخنی کوتاه دارد که می‌توان آن را جمع‌بندی نامید. گاهی بخشی بیشتر جنبه معارفه پیدا می‌کند. برای نمونه آنجا که از شاعر قصیده‌سرا «ذوق» می‌نویسد در آخر بدون جمع‌بندی و نقش کلی ذوق در ادبیات اردو، بحث را به اتمام می‌رساند.

جالبی برای بحث‌های مهم استدلال می‌آورد. هرچقدر بحث از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، به همان نسبت تعداد استدلال‌های وی افزایش پیدا می‌کند. برای تفهیم مطلب از اقتباس‌های اشخاص مورد بحث استفاده می‌کند و با زیرکی مستقیم خواننده را با موضوع مورد بحث و مطالعه درگیر می‌کند و در نتیجه‌گیری بی‌طرف‌تر از آنچه که از یک منتقد انتظار می‌رود؛ ظاهر می‌شود.

از آنجا که این کتاب جهت کمک درسی تألیف نشده است؛ آزمون هم در آن جایی ندارد. بهتر بود برای تنوع و اطلاعات تصویری از شخصیت‌ها از تصاویر آن‌ها استفاده می‌شد. اما جز خطوط سیاه چیزی در کتاب یافت نمی‌شود.

به دلیل نفوذ زبان انگلیسی در زبان و فرهنگ اردو، بسیاری مؤسسه‌ها، نشریه‌ها و غیره عنوان انگلیسی دارند. اگرچه نوشتن این‌گونه عناوین به شکل رسم‌الخط اردو متداول بوده است، اما این روش صحیح نیست و گاهی خواننده امروز دچار سردرگمی می‌شود. از سویی در اکثر موارد عناوین به همان خط انگلیسی هم نوشته می‌شده‌اند. در هردو حالت در تألیفات جایی که این‌گونه عناوین می‌آیند به‌علاوه ضبط آن به انگلیسی، بهتر است ترجمه آن در زبان تألیف کتاب (که در اینجا منظور اردو است) نوشته شود.

جمیل جالبی تأملی در سیر تاریخی ادبیات اردو داشته است و هر جلد نسبت به جلد قبلی خود علمی‌تر و کامل‌تر می‌شود. آنچه مسلم است جهت تدریس برخی دروس مربوط به تاریخ ادبیات اردو، نثر و شعر اردو جزء جامع‌ترین و مستندترین منابع می‌باشد. جلد اخیر (جلد ۴) نیز دربردارنده مطالبی است که در راستای تدریس و تحقیق بسیار قابل استفاده است. جالبی سیر تاریخی را از دو سو تحقیق و نقد می‌کند. وی بسیار اندک دچار خطا می‌شود. باین وجود با مطالعه این مجلد چند سؤال در ذهن ایجاد می‌شود: اصرار جالبی برای تنظیم تاریخ ادبیات اردو بر مبنای شخصیت‌ها چیست؟ چرا برخی جنبش‌های مهم ادبی اهمیت خود را در این جلد ازدست داده‌اند و برخی دیگر سرفصل می‌شوند؟ معیار جالبی در این تفاوت قائل شدن چه بوده است؟ در نظر او دهه پنج آن قدر هدفمند و تأثیر گذار در ادبیات اردو بوده که سرفصل قرار می‌گیرد ولی نهضتی چون علی‌گره که تحولی در ادبیات نثری اردو پدیدآورده بین تشکلات خود ادغام می‌شود! به نظر می‌رسد جمیل جالبی نام سرسید را جایگزین نهضت علی‌گره می‌کند. اگرچه بانی این نهضت سرسید احمدخان است، ولی بدون همراهان وی هیچ‌گاه این نهضت شکل نمی‌گرفت و در تاریخ ادبیات اردو هیچ‌گاه نام سرسید احمدخان به عظمت نهضت علی‌گره نرسیده است که بتواند با آن هم‌رتبه شود. مثال دیگر جای خالی انجمن پنجاب است! اینجا هم جالبی به معرفی محمدحسین آزاد بسنده می‌کند! این‌گونه نقص‌ها دانشجو را با تعارض‌های اساسی مواجه می‌کند. همان‌طور که گفته شد جالبی توازن لازم را در تألیف خود برقرار نکرده است و به جای پردازش تاریخ ادبیات اردو به کاوش بر شخصیت‌های ادبی اردو در بستر تاریخ می‌پردازد. البته محتوا با فهرست کتاب همخوانی دارد و خواننده می‌تواند سریع به آنچه در تلاش آن است دست یابد.

کتاب منبع بسیار مفیدی برای تدریس چندین درس می‌باشد (که پیش از این دروس نام برده شده‌اند). به‌غیر از تعاریف اولیه که به‌علت سطح علمی کتاب و کاربرد و مخاطب، مطالب

جامع است و قابل استناد به‌ویژه استفاده آن برای پیش‌برد پایان‌نامه‌ها کاملاً لازم است. مهم‌ترین منابع در این کتاب استفاده شده است ولی از دیگر منابعی که جهت تأمین اهداف پروژه تحقیقی می‌تواند مکمل باشد استفاده نشده. به‌ویژه از تألیفات نوع نقد حداقل استفاده شده است.

در دوره کارشناسی از سال سوم که دروس مربوط به ادبیات اردو آغاز می‌شود و همچنین در سطح کارشناسی ارشد این کتاب ۸۰ درصد انتظار اساتید و دانشجو را برآورده می‌سازد و الگوی مناسبی برای دانشجویان جهت انجام پروژه‌های علمی است.

جالبی از منابع دست اول استفاده کرده است. وی برای معرفی اشخاص و دیدگاهشان مستقیم به سراغ سند دست اولی می‌رود که از آن خود شخصیت مورد صحبت است. برای نکات اساسی از نوشته‌های افراد مثال‌هایی می‌آورد که غیر آن را نمی‌توان پذیرفت. محترمانه و با رعایت اخلاق مرسوم در ادبیات، تحقیق دیگران را به کار می‌گیرد ولی برای نقد کمتر از نظرهای منتقدین استفاده می‌کند و با اعتماد به نفس تألیفات مربوطه را مطالعه و از آنها مطلب استخراج کرده و خود به‌عنوان منتقد خوش‌رو و اخلاقی (گاهی هم خلاف این دیده شده است) دست به نقد می‌شود. از این رو با توجه به محتوای تاریخی کتاب اکثر منابع مربوط به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. کمتر از منابع جدید استفاده می‌کند.

نحوه ارجاع دادن وی به‌روز نیست. هنوز پابند چارچوب قدیمی است. ارجاع در انتهای فصل و آن‌هم با توضیح مفصل می‌آید که می‌توان به جای ارجاع دادن، آن را فهرست منابع دانست! نقص دیگری که در این تألیف به‌چشم می‌خورد معرفی صحیح اثر است. وقتی به اثری اشاره می‌کند لازم است که تاریخ و محل چاپ بار اول آن را ذکر کند که البته وی از این مطلب سرباز می‌زند.

آنچه که جالبی را از دیگر مؤلفان مشابه این‌گونه تألیف‌ها متمایز می‌کند؛ نحوه ارائه مطلب است. تحت عنوان تاریخ ادبیات اردو، چندین کتاب به‌چاپ رسیده‌اند. صرف‌نظر از مؤلفانی چون محمد صدیق و رام بابو سکسینه که کاری علمی را به‌ثبت رسانده‌اند؛ نشانی از تألیفی عمده در این موضوع به‌چشم نمی‌خورد. البته کتاب این دو بزرگ تک‌جلدی و به زبان انگلیسی است. بنابراین به‌جرات می‌توان گفت جمیل جالبی قابل قیاس با دیگر نویسندگان تاریخ ادبیات اردو نیست. در اینجا لازم است به تاریخ ادبیات مسلمانان هند و پاکستان اشاره کرد. این اثر در مجله‌هایی بالغ بر ۱۰ جلد تهیه شده است و هر جلد مجموعه‌ای از نویسندگان متعدد بوده است که هریک در موضوعی دست به‌قلم برداشته‌اند. با این وجود اطلاعاتی کاملاً جامع در اختیار

خواننده قرار نمی‌دهند. اما جمیل جالبی وقتی مطلبی را آغاز می‌کند تمام اطلاعات مربوط به آن را به طور مستند ارائه می‌دهد. در تنظیم ساختار فصول و ترتیب مطالب مهارت دارد. از زیاده‌گویی پرهیز می‌کند. آنچه را که باید می‌نویسد. البته حرف جدیدی از وی استنباط نمی‌شود. وی آنچه برای معرفی پدیده ادبی دوره مختص شده می‌نویسد گردآوری مطالب تحقیق شده و گفته شده به شکل پراکنده است. این توضیحی بود از کلیت موضوع. اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم خامی‌هایی در حیطه علمی دیده می‌شود. جایی که سخن از تألیفی می‌رود، شناسه آن ناپید است. در مجموع سالیانی است که با چاپ مجلد جدید از جمیل جالبی تمام اساتید، پژوهشگران و دانشجویان چشم به‌راه مجلد بعدی این ادیب هستند.

باتوجه به عنوان کتاب مطالب در سیر تاریخی خود جریان دارند. درون فصول نیز با توجه به عنوان موردنظر نظم خاصی دیده می‌شود و این ترتیب منظم به طور یکپارچه در سراسر کتاب دیده می‌شود. دلیل عمده آن تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر درون فصول است.

در یک مورد سؤال ایجاد می‌شود که چرا جالبی بخش «اوده بخ» را قبل از «اردوک عناصر خمه» بیان می‌کند. این جنبش در برابر نهضت علی‌گره جبهه‌گیری شدیدی کرد. بهتر بود ترتیب این دو جا به جا می‌شد در این صورت نتیجه‌گیری هم بهتر به‌عمل می‌آمد. زمانی که کنشی پرداخته شده چطور می‌توان واکنش آن را بررسی و تفهیم کرد.

جمیل جالبی مستقیم به سراغ منابع دست اول می‌رود. در فضای نوشتاری‌اش، خود اوست و شخصیت یا اثر مورد گفت‌وگو! او بدون واسطه سخن می‌گوید. در اندک صفحاتی اگر ضروری بداند به‌نظر منتقدی به‌نام نیز اشاره می‌کند. گاهی نیاز به دانستن نظر منتقدین احساس می‌شود. برای نمونه وقتی از شعر العجم می‌گوید؛ داوری فارسی‌زبان‌ها را از این تألیف چند جلدی نادیده می‌گیرد، در حالی که منابع بسیاری در این خصوص یافت می‌شود. این طرز کار باعث افزونی اطمینان خواننده به وی می‌شود. اگر تعداد منابع با توجه به اهمیت آن‌ها و اطلاع‌رسانی به خواننده که در خصوص فلان مطلب این‌گونه منابع نیز سخن گفته‌اند افزوده می‌شد؛ کتاب موجود علمی‌تر و کامل‌تر می‌بود.

امانت‌داری و ویژگی نمایان تاریخ ادب اردو است. مطلبی بدون ارجاع است که سخن جالبی است. به‌خصوص در تنظیم زندگی‌شخصیت‌ها تمام سخن خود را مستند می‌کند. آدرس ارجاعات صحیح می‌باشد. نحوه ارجاع دهی البته به‌روز نیست و فهرست منابع در آخر کتاب نیامده است. به‌نظر می‌رسد وی تصمیم دارد فهرست تمام منابع را در آخرین جلد خود تنظیم کند.

هرچند جالبی تمام سعی خود را بر تحلیل و معرفی بی‌طرفانه داشته است اما گرایش وی به برخی شخصیت‌ها کاملاً محسوس است. البته تا حدی که جالبی نمایان می‌شود اجتناب ناپذیر است. برای نمونه در معرفی سرسید احمد خان و نذیر احمد دهلوی این امر مشهود است. از سویی صفحات این کتاب از تملق و تمجید خالی است و حتی برای تخلیه احساس مثبت یا منفی خود از اقتباس‌هایی که در راستای نظر وی است؛ استفاده نمی‌کند. در واقع جالبی جایی که مجموعه‌ای از تحقیق‌های مربوط به بحثی را ارائه می‌دهد بدون تعارف نتیجه را بازگو می‌کند. در مورد نقد اثر و یا نقد شخصیت محافظه کار است و گاهی صریح سخن می‌گوید نمونه‌های آن: تاریخ ولادت ذوق را ارزیابی کرده و با مطرح کردن تاریخ‌های ثبت شده، تاریخ بیان شده از طرف محمدحسین آزاد را اشتباه تلقی می‌کند. جایی دیگر آزاد را به سبب حمایت‌های فوق‌العاده‌اش از ذوق، مورد توهین قرار می‌دهد: «آزاد با ذوق آن کرد که دوست نادان با دوست خود می‌کند!» (ص ۲۵۱). جایی دیگر (ص ۱۱۵۶) در برابر نظریه‌ها و واکنش‌های مختلف برای کتاب **ابن الوقت نذیر احمد**؛ قاطع می‌گوید منظور نذیر احمد از شخصیت ابن الوقت، به هیچ وجه سرسید احمدخان نبوده است. یا در جایی دیگر از کاستی‌ها و ضعف‌های *حیات سعدی* می‌گوید ولی در آخر آن را به عنوان بهترین منبعی که اطلاعات خوبی از زندگی سعدی می‌دهد می‌گوید! در مورد سرسید احمد خان که مسأله حساسیت بیشتری پیدا می‌کند. فقط راوی است. البته از پیش نظر مثبت خود را اعلام می‌کند، ولی جایی که می‌خواهیم بدانیم جالبی چه برداشتی دارد، سکوت می‌کند.